

۱

برنامه‌ساز و رشد و قدرت

Borna.montazer.ir



مگه
همیشه

جنگ

و شرایط جنگی
واسمون

فایده

داشته باشه؟!!

■ مگه میشه جنگ و شرایط جنگی واسه موبون فایده داشته باشه؟



■ چرا باید گرفتار این شرایط جنگی می شدیم!
حالا الان تکلیفمون چیه؟

جوونی موبون سوخت! چرا ما الان باید وسط این جنگ باشیم؟
اصلا چرا من توی این کشور به دنیا اومدم!
بابا اگه شما نسل سوخته بودین، ما نسل جزغاله ایم!
خب نظرت چیه رفیق برنا! تو هم ذهنت پر از این سوالاست؟
چرا جنگ شده؟ حالا باید چی کار کنیم؟ تکلیفمون چی میشه؟
نگران نباش، برنا مثل همیشه، کنارت، بیا با هم در مورد این
حرف بزنیم که حالا که جنگ شده باید چه کار کنیم؟
چی شده که جنگ شده؟ اصلا آخرش قراره چی بشه؟

حتما شما هم دارین روز و شبای متفاوتی رو تجربه می‌کنین و احتمالا توی سرتون هم داره کلی سوال مختلف رژه میره! مثل اینکه اصلا چرا توی کشور ما جنگ شده؟ یا چرا من باید شرایط جنگی رو تحمل کنم؟ یعنی نمیشد هیچ کار دیگه‌ای کرد که لااقل اینترنتمون قطع نشه؟! اصلا همه اینا به کنار، چرا من باید توی زندگیم سختی بکشم و نمی‌تونم یه زندگی آروم داشته باشم؟

خب وقتی ما دلیل یه چیز رو بدونیم، هم راحت‌تر باهاش کنار میایم و هم بیخودی واسش کاسه چه‌کنم چه‌کنم دستمون نمی‌گیریم! ولی واسه اینکه بتونیم اوضاعمون رو بهتر بفهمیم و حال و روز خودمون و بقیه رو درست مدیریت کنیم، اول از همه باید بفهمیم کجاییم! تا مثل اونایی که یهو از خواب میپرن و چون یادشون رفته کجان، هاج و واج بقیه رو نگاه میکنن و پرت و پلا می‌گن، نباشیم! با این حساب لازمه سریع یه ویدئو چک کنیم و اون چیزای ضروری رو که ممکنه توی این تالاب تولوپ‌ها از سرمون پریده باشه، یه مروری بکنیم تا دستمون بیاد کجای کاریم!

■ **رحم نکردن حتی به مردم خودت؟**



QR کد را اسکن کنید.



■ الان کجای کاریم؟

اگه خاطرتون باشه گفتیم که ما آدمیم و به خاطر همین آدم بودنمون هم کلا کلاس کاری مون با بقیه فرق داره! یعنی زندگی م لاون یه هدفی داره که واسه هیچ کس دیگه ای توی این دنیا تعریف نشده! یعنی اصلا هیچ کس غیر از ما توی قد و قواره همچین حرفایی نیست!

که البته این هدفی که داریم ازش حرف میزنیم و خدا واسه مون در نظر گرفته چیزی نیست جز شبیه شدن به خودش و به دست آوردن صفت هایی که داره! یعنی این جور ی بگم که خدا ما رو توی یه همچین حد و اندازه ای میبینه! ولی خب ما چون نمی تونیم خدا رو مستقیم ببینیم، باید شبیه نزدیکترین الگو و نمونه به خدا بشیم که میشه امام! البته خب یه همچین هدف و شرافت و کلاس بالای طبیعتا هزینه های خودش رو هم داره که اگه یه خورده صبر کنین به قسمت هزینه ها هم می رسیم!

حالا این چیزها چه ربطی به جنگ و شرایط جنگی و این جور حرفا داره؟ دقیقا ز دین به هدف! ربطش اینجاست که بالاخره یه جایی باید باشه که ما بخوایم توش تمرین کنیم و به اون هدفه برسیم دیگه! اون جا هم اسمش دنیاست یا اصلا بهتره بگیم باشگاه دنیا! چون هم قراره توش تمرین کنیم، هم یه مربی بالاسرمونه که تمرینمون رو درست انجام بدیم و بتونیم مثل خودش درست حسابی بشیم!

همون جور ی که کسی با دست روی دست گذاشتن دکتر و مکانیک و نونوا نمیشه، ما هم بدون تمرین و چالش محاله که آدم بشیم و به هدفی که باید برسیم، برسیم!

فایده این امتحان چیست؟



QR کد را اسکن کنید.



شرایط جنگی؛ به باشگاه واسه قوی شدن

خب حالا این باشگاه دنیا مثل بقیه باشگاه‌هایی که میریم توشون ثبت‌نام می‌کنیم، به سری ویژگی‌ها داره! اول از همه به مربی لازم داره که بدون اون اصلا کاری از پیش نمیره! ما قراره که با تمرینای مربی شبیه خودش بشیم، دیگه! ولی خب اینم با عقل جور در نیاد که مربی بهمون دستور بده و ما بدون هیچ زحمت و تلاشی تبدیل به چیزی بشیم که اون میخواد! این وسط قطعاً جای به حریف تمرینی و به شرایط تمرینی کمه! بالاخره باید به کسی یا به چیزی باشه که ما رو به چالش بکشه و با خودش درگیر کنه، وگرنه با ایستادن خالی توی باشگاه که اتفاقی واسمون نمیفته! بیخودی نیست که این همه بازی تدارکاتی میذارن که تیم‌هاشون رو قوی کنن! حالا دقیقاً فلسفه پیش اومدن به شرایطی مثل جنگ و کلا همه سختیا و بالا و پایین‌های زندگی‌مون هم همینه. که ما رو ببره توی رینگ تا حسابی آب دیده بشیم! حالا هرچی شرایط سخت‌تر، امکان قوی‌تر شدنمون هم بیشتر! اصلاً خدا میخواد ببینه کجای

کاریم و دارایی‌مون چقدره؟! (۴)



روستاهای

■ اولین قدم نذار
جریان زندگی
قطع بشه!



QR کد را اسکن کنید.

■ واکنش ما به شرایط جنگی چیه؟

البته اینم بگم‌ها همون جور که همه به باشگاه یه جور واکنش نمیدن، همه با شرایط جنگی هم یه جور برخورد نمیکنن!

■ یعنی بعضیا باشگاه رو کاملا جدی می‌گیرن و تمریناشون رو به موقع و مو به مو انجام میدن و وقتی هم که دارن از باشگاه بیرون میان، قشنگ شبیه مربی میشن! همون جوری که بعضیا به شرایط سخت پیش‌آمده به چشم یه فرصت واسه بهتر شدن نگاه میکنن!

■ بعضیا هم اصلا نمیخوان قضیه باشگاه و این جور چیزها رو قبول کنن و به جای اینکه توش تمرین کنن، بیشتر ازش فرار میکنن! ولی خب از اون جایکه دنیا چه بخوایم چه نخوایم خاصیتی باشگاهی و تمرینی خودش رو داره، حتی اگر دلشون هم نخواد، مشت‌ها رو می‌خورن! ولی با این فرق که چون آماده نیستن، با هر کدوم از این ضربه‌ها نه فقط قوی نمیشن که بدتر داغون و له و لورده میشن! درست مثل قضیه این روزهای ما که داره یه عده رو قوی‌تر و نورانی‌تر میکنه و از اون طرف هم یه عده‌ای که نمیخوان باهاش کنار بیان هر روز داغون‌تر و پراسترس‌تر میشن!

■ بعضیا هم هستن که این وسط کلا باشگاه رو با خونه اشتباه میگیرن! واسه همین هم مستقیم میرن توی فاز غم و غصه و افسردگی! خب بابا جان این دیگه تقصیر ما نیست که شما فکر می‌کنی کل زندگیا توی باشگاه دنیا خلاصه شده و قراره وضع واسه همیشه همین جوری بمونه!

■ سپرهای نوری



QR code را اسکن کنید.



■ اگه نفهمم توی باشگاهم چی میشه؟

اصلا دلیل اینکه چرا باشگاه و دنیا و جنگ و این بالا و پایین‌ها به جای اینکه بعضیا رو قوی‌تر کنه، بدتر داره ضعیفشون میکنه، همین‌دیگه! یادشون رفته اینجا باشگاه و باشگاه خاصیتش همین‌ه! خونه‌مون نیست که محل امن و آرامش‌مون باشه! چون باشگاه رو با خونه اصلی عوضی گرفتن، دارن توش دنبال رختخواب و مبل راحتی می‌گردن!

اصلا میدونین چیه، ما به محض اینکه کارمون اینجا تموم بشه، برمی‌گردیم خونه‌مون و خیلی خوشگل و باکلاس زندگی‌مون رو می‌کنیم! واسه همین سالم و سلامت به خونه رفتن هم هست که داریم این سختیا رو تحمل می‌کنیم! نه توی باشگاه با چهارتا مشت خوردن، گریه نمی‌کنیم و ننه من غریبم بازی درمی‌اریم! نه اگه یه وقت نتونستیم یه مشت رو رد کنیم، حس بدبختی و بی‌عرضگی بهمون دست می‌ده! چون میدونیم اینجا باشگاه و خاصیتش به همین تمریناست! این جنگم یه شرایط ویژه‌ست که فقط سرعت و شدت تمرین‌هامون و البته به هدف رسیدنمون رو بیشتر میکنه، البته اگه یه قدم بیایم عقب‌تر و درک کنیم کجای کاریم! حالا هم اگه زیادی زیر سرو صدای پهباد و پدافند بودیم و آدرس خونه اصلی‌مون از سرمون پریده، بد نیست یه دور برگردون بزنییم و مجله‌های خونه ما رو یه بار دیگه مرور کنیم!



دوستتارم

■ یادت که نرفته؟ این دنیا صاحب داره، یه صاحب بی‌نهایت و نامحدود که تا اون نخواد، یه برگ هم از روی درخت نمی‌افته!



QR کد را اسکن کنید.

■ حریف‌های تمرینی من

حالا این همه از باشگاه و شرایطش گفتیم، ولی خب قبول داریم تا توی باشگاه نفهمیم کیا حریف تمرینی مون هستن، نمی‌تونیم کاری از پیش ببریم؟! اصلا همین میشه که به جای اینکه بریم با حریفامون درگیر بشیم، یهو میریم سراغ مربی و میخوایم همه دق و دلی‌مون رو سر مربی که فقط خوبی‌مون رو می‌خواد خالی کنیم! در صورتیکه شرایط و حریفای تمرینی ما کامل مشخصند:

■ خود ما

اول از همه که یکی از حریف‌های تمرینی مهم ما خودمون و بخش‌های پایینی وجودمونه! خب وقتی واسه یه زود از خواب پا شدن باید به اندازه یه کوه جابه‌جا کردن انرژی صرف کنیم، یا اندازه چندتا مرد جنگی نیرو لازم داریم تا بتونیم جلوی هوس پیتزا خوردنمون رو بگیریم، معلومه همیشه که قطعا اول از همه باید با خودمون مبارزه کنیم!

■ شیطان و دار و دسته‌اش

ولی خب این وسط شیطان و دار و دسته‌اش هم بیکار ننشستن و میخوان هرجوری هست جلوی رسیدن ما به هدف خلقتمون رو بگیرن! البته اینو ما نمیگیم‌ها خودش قسم خورده که تا بدبختمون نکنه دست از سرمون برنمیداره!

الان بهتر می‌فهمیم که چرا به آمریکا و دارودستش میگن شیطان بزرگ! چون همه این استعمارگرها هم مثل شیطان دارن همه زورشون رو میزنن تا جلوی رشد انسانی و شبیه شدنمون به خدا رو بگیرن! یعنی هر کاری میکنن تا ما هویت انسانی‌مون رو از دست بدیم و به اون هدفی که خدا واسه‌مون در نظر گرفته، نرسیم!

حالا از جنگ فرهنگی و تهدید و ترس‌های الکی و غیرمنطقی گرفته تا بمب و ترور و هر چیزی که بتونه حرکتمون رو کند کنه یا بدتر از اون مسیرمون رو تغییر بده! خب معلومه کسی که داره به طرف شمال حرکت میکنه، هیچ وقت به جنوب نمیره!

● شرایط باشگاه

بعدش هم باشگاه و شرایط و چالش‌هاش دارن به جورایی زمینه رشدمون رو فراهم می‌کنن! بالاخره باید چهارتا وزنه و یه کیسه بوکسی باشه که مشقت ما رو به خودمون برگردونه و دستمون رو قوی‌تر کنه دیگه! درست مثل الان که با هرتق و توقی کلی بالا و پایین میشیم و با یه شرایطی واسه کسب اسم رو به روییم که قبلا اصلا امکانش رو نداشتیم! مثلا قبلا باید مهمون هامون رو دعوت می‌کردیم، اما الان توی این شرایط جنگی، خیلیا خودشون میان پیشمون و واسه مون فراهم می‌کنن! که نه فقط صبور و بخشنده و رفیق و طبیب باشیم، که همه کارهامون رو هم با نهایت مهربونی و خوشحالی انجام بدیم، درست مثل خدا!



QR کد را اسکن کنید.



■ این همه فرصت به جا؟

خداییش دیگه کی میشد بتونیم انقدر با هم همدلی کنیم، به خاطر همدیگه کنار بکشیم و از حق خودمون بگذریم؟ خستگیای همدیگه رو ببینیم و قدر اونایی که ایستادن و دارن واسه مون زحمت میکشن رو بدونیم؟ یا چون شرایط و استرس‌های همدیگه رو درک می‌کنیم، اشتباه‌های بقیه رو ندید بگیریم و با به لبخند قشنگ از کنارشون رد بشیم؟ به همدیگه امید بدیم و پشت همدیگه رو خالی نکنیم! قدرت هرکسی غیر از خدا رو کوچیک بدونیم و فقط فقط به خودش تکیه کنیم! از هر فرصتی استفاده کنیم و از همیشه با هم مهربون‌تر بشیم؟ یا انقدر با اراده بشیم که بخوایم از همه قدرتمون واسه نابودی ظالم استفاده کنیم؟!

■ فایده حریف‌تمرینی

خب ما وقتی داریم توی باشگاه با حریفمون می‌جنگیم، کاری نداریم که حریفمون موقع مشت و لگد زدن به ما چه نیتی داره و توی کله‌اش چی میگذره! ما باید وظیفه‌مون رو انجام بدیم و روز به روز خودمون رو به هدف نزدیکتر کنیم! ولی خب قبل از همه باید باور کنیم توی باشگاهیم و از همه این حریف‌های تمرینی میتونیم به نفع خودمون استفاده کنیم! وگرنه چون خودمون رو آماده نکردیم، ناغافل کتک می‌خوریم و لت و پار میشیم! حالا به بار چراغ رو با دقت گوش کن که دچار حالت لت و پار شدگی نشی!!!

■ چراغ

حالا قضیه ما و این جنگ هم همینه! البته خب معلومه که کسی از جنگ و شرایط جنگی خوشش نمیداد، ولی خب وقتی یه جنگی لازمه و بهمون تحمیل شده چی؟ یا باید خودمون رو آماده کنیم که نه فقط با این حمله‌ها غافل‌گیر نشیم، که ازشون واسه قوی شدنمون استفاده کنیم؛ یامی‌تونیم شرایط رو باور نکنیم و ازهمه طرف مشت و لگد بخوریم! که البته اون چیزی که ما از خودمون و بچه‌های این آب و خاک سراغ داریم، فقط قوی شدن و تمام!



QR کد را اسکن کنید.

Borna.montazer.ir

